

توجه به سرمایه‌گذاری برای افزایش تولید ملی

مهدی رضائی

دنیای اقتصاد

نظریات مدافع اقتصاد ملی در زمره مخالفان جریان فکری غالب در حیطه اقتصاد محسوب می‌شود. در واقع نظریات مبتنی بر اقتصاد ملی که تولید و سرمایه ملی را در مرکز توجه خود قرار می‌دهد، نظیر هر مکتب مخالف نظریات نئوکلاسیکی، با برخی از دکتربینهای مکتب نئوکلاسیکی مخالف است و در برخی از موارد نیز توصیه‌های نئوکلاسیکی که از دید آنها جهانشمول انگاشته می‌شود را به صورت تمام و کمال رد نکرده است، بلکه سعی در تعدیل آن دکتربینها می‌کند. دیده می‌شود که این مکاتب مخالف مکتب نئوکلاسیکی که بهبود تولید ملی را در چارچوب دکتربین نئوکلاسیکی میسر نمی‌داند، دارای مشترکات بسیاری بوده، از نظریات یکدیگر استفاده بسیاری کرده‌اند. تقویت تولید ملی در حال حاضر، دغدغه کشور ماست و برای بهبود تولید ملی و رشد اقتصادی، باید الزامات آن در نظر گرفته شود؛ الزاماتی که از سوی طرفداران تولید ملی توصیه می‌گردد. در این نوشتار سعی می‌شود با توجه به نظریات اقتصادی پیرامون تولید ملی که از سده‌های پیش آغاز شده و طی سالیان گذشته دگرگونی‌های زیادی را به دلیل دگرگونی‌های جهانی مختلف به خود دیده و تحت مکاتب اقتصادی مختلف بروز کرده است، یکی از مهمترین عوامل رشد اقتصادی را مد نظر قرار داده و سپس با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی ایران، نکاتی را برای تحقق تولید ملی بیان داشت.

عوامل تولید شامل نیروی کار، موجودی سرمایه و انباشت دانش، تولید را ایجاد کرده و رشد هر کدام از این عوامل باعث رشد تولید می‌شود. تولید برابر با درآمدی است که از سوی آحاد جامعه به پس‌انداز و مصرف تبدیل می‌گردد. بخشی از پس‌انداز صرف سرمایه‌گذاری فیزیکی و بخشی دیگر در جهت بهبود سطح دانش به کار می‌رود. بهبود سطح دانش نیز رشد درآمد سرانه در بلندمدت را در پی دارد. به ظاهر این چارچوب عوامل تولید و بازیگران اقتصادی، تولید ملی و رشد آن را تضمین می‌کند؛ اما در طول تاریخ، شاهد افول اقتصادی بسیاری از کشورها بوده‌ایم. رشد اقتصادی ایران نیز در مقایسه با کشورهای نوظهور جهانی که گاهی رشد اقتصادی حدود ۱۰ درصد یا بیشتر را دارند،

پائین است. کنکاش درباره رشد پائین اقتصادی ایران می‌تواند برای ما مسیری را باز کند تا به کنکاش در خصوص علل پائین بودن تولید ملی در ایران بپردازیم.

طی چند سال اخیر نرخ پس‌انداز ملی ایران حدود ۴۰ درصد و بیشتر بوده و همچنین نسبت تشکیل سرمایه ناخالص به تولید ناخالص داخلی نیز بیش از ۳۰ درصد بوده است. این نسبت‌ها در مقایسه با بسیاری از کشورهای منطقه که رشد اقتصادی بالاتری از ایران دارند، بیشتر بوده و این امر گواهی بر بهره‌وری پائین سرمایه در ایران دارد. اگر «دست نامرئی» اقتصاد کار خود را به صورت کارا انجام می‌داد، باید رشد اقتصادی بالائی را تجربه می‌کردیم. یکی از طرق افزایش بهره‌وری سرمایه، انتخاب گزینشی فعالیتها می‌باشد. با توجه به اهمیت صنعت پتروشیمی در کشور، این فعالیت می‌تواند گزینه مناسبی باشد. رونق در این بخش، موجب رونق سایر بخشها و فعالیتهای صنعتی و خدماتی نظیر خدمات حمل و نقل آبی و جاده‌ای می‌شود.

صاحبان سرمایه در انتخاب گزینه‌ها برای سرمایه‌گذاری، عواملی همچون مخاطرات و مقدار سود حاصل از سرمایه‌گذاری را توأمان در نظر می‌گیرند. با فرض درست بودن این حکم که «هر قدر سود حاصل از سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران خرد یک اقتصاد بالاتر باشد، درآمد ملی نیز بالاتر است»، آنگاه بدیهی است که هدایت سرمایه‌ها به سمت فعالیت‌های سرمایه‌گذاری با سودآوری بالقوه بالاتر، موجب افزایش درآمد ملی خواهد شد. در صورت بالا بودن مخاطرات برای سرمایه‌گذاری در طرحهای اقتصادی با منافع بالاتر، سرمایه‌گذاران ناگزیر به سمت طرحهای اقتصادی علی‌رغم بازدهی پائین‌تر روی می‌آورند. در حالت افراطی‌تر این قضیه، جهت‌گیری پس‌اندازها به سمت فعالیتهای اقتصادی نبوده و حتی شاهد فرار سرمایه‌ها نیز خواهیم بود.

آمار و ارقام نشان می‌دهد که مخاطرات سرمایه‌گذاری در ایران بالاست و این وضع کاملاً در اطلاعات راجع به شاخصهای "سهولت کسب‌وکار" و کیفیت قوانین و مقررات "بانک جهانی در خصوص ایران، قابل مشاهده است. برای نمونه رتبه شاخص سهولت کسب‌وکار برای ایران در سال ۲۰۱۲ مقدار ۱۱۴ بوده است که چهار رتبه نسبت به سال ۲۰۱۱ بدتر شده است. این وضعیت برای ایران نه تنها در بین کشورهای منطقه، بلکه در بین کشورهای جهان مناسب نیست. از دیگر مخاطرات در ایران، مخاطرات اقتصادی است. نرخ تورم در ایران بالاست و سرمایه‌گذاران هنگام مواجهه با تورمی

که دارای نوسانات زیاد است، قادر به ورود در طرحها با بازدهی بلندمدت حتی با وجود بازدهی بالاتر نمی‌باشند.

به علت بالا بودن مخاطرات در ایران در انواع مختلف آن، علی‌رغم بالا بودن نرخ سرمایه‌گذاری و پس‌انداز، بهره‌وری سرمایه در ایران پائین بوده و سرمایه‌گذاران با توجه به رفتار خرد عقلانی خود (رفتار فردی)، بهترین گزینه را با توجه به مخاطرات سرمایه‌گذاری و بازدهی سرمایه بر می‌گزینند. اگرچه سرمایه‌گذاران منفرد در این شرایط بهترین گزینه را انتخاب می‌کنند، اما با کاهش مخاطرات، سرمایه‌گذاران به طرحهائی روی می‌آورند که نه تنها برای سرمایه‌گذاران منفرد، بلکه برای تولید ملی مناسبتر است.